

دلیا نوریجوس

ترجمه: علی حسین قاسمی

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی
مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

خلاصه

در همگي روندهاي مهم توسعه در طی پنج دهه، یونسکو نقش ارزشمندی در پی ریزی بنیان توسعه کتابخانه ها، آرشیوها، مراکز سند پردازي و اطلاع رسانی - طیف کامل مؤسسات و فرآیندهای اطلاعاتي پشتیبان توسعه ملي - بازی کرده است. برخی کشورها در راه اندازی و به کارگیری این مؤسسات و فرآیندها به نفع خود بموقع اقدام کرده اند و برخی نه. مايلم بگويم که کشورهايي که در این راه قدم برداشته اند امروزه وضعيتي برتر و بهتر دارند. در حالی که ما به سوي قرن بیست و یکم پيش مي‌رويم، "بخش ارتباطات یونسکو" با شما همراه خواهد بود تا همچنان که کشورها به جوامع اطلاعاتي مبدل می‌شوند و امکان بهره‌برداري و سود جستن از جامعه راستین اطلاعاتي جهانی را برای شهروندان خود فراهم می‌آورند، در این فرآیند با شما همگام باشد.

ابتدا با چند سؤال جایگاه موضوعي سخنم را مشخص می‌کنم: چرا باید به بحث درباره این موضوع (جامعه اطلاعاتي و توسعه) پردازيم؟

زیرا در بسیاری کشورها، هیچگاه اطلاعات پیوند نظام‌مند و منظمی با برنامه های توسعه نداشته است. در سخن از برنامه های توسعه، دولت‌ها اطمینان می‌دهند که زیرساختار مورد نیاز همراه با بودجه لازم تأمین شده است، اما هیچ برنامه فراگیری در ایجاد نظام‌مند زیر ساختار اطلاعاتي وجود ندارد؛ آنچه هست رویکردهای تکه‌تکه و دست و پا شکسته است. حتی در این صورت نیز تصویب برنامه های اطلاع رسانی، بدون استثنا به جر و بحث و بگو مگوهای بسیار نیاز دارد. کافي است توجه کنید که بخش‌های گوناگون دولتي چگونه بودجه مرکز اطلاع رسانی کتابخانه خود را به تصویب می‌رسانند.

آیا اطلاعات يك منبع واقعي توسعه است؟ آیا ساختن/ بنیان گذاشتن يك مکانیسم حمایتي اطلاعاتي مؤثر در امر توسعه ضروري است؟ پاسخ هر دو سؤال مثبت، اما وضعیت عملاً به گونه‌ای دیگر است. شاید تا چند سال پيش روند اوضاع این گونه بود، اما ظهور اینترنت و ابرشاهراه های اطلاعاتي و جاذبه آنها وضعیت جهانی را بسیار متحول کرده است. وضعیت، تغییر یافته و همچنان تغییر می‌کند و در این مسیر چالش‌ها و فرصت‌هایی را موجب می‌شود که اگر خردمندان از آنها بهره‌گیری شود، موجب بهبود شگرف وضعیت اطلاعات در بسیاری از کشورها می‌گردد. به عبارت بهتر، این وضعیت باید در توجیه ابتکارات عملي، که به منظور تضمین روند گذار کشور به يك جامعه اطلاعاتي بدان‌ها اقدام می‌شود مورد استفاده قرار گیرد.

چرا تحول به يك جامعه اطلاعاتي لازم است؟ چرا باید از يك جامعه کشاورزي مینا یا صنعت مینا به يك جامعه اطلاعاتي متحول شد؟ زیرا توسعه جهانی از توسعه در بخش اولیه (کشاورزي، جنگلداری، معدن‌کاوي) به بخش ثانویه (صنایع توليدي) که با میزان تولید ناخالص داخلی و صادرات سنجیده می‌شود و سپس به بخش ثالث - متشکل از بخش بازرگاني و خدمات - منتقل شده است.

"بخش خدمات" رشد چشمگیری - ۴۳ درصد حتي برای کشورهای کمتر توسعه یافته، ۲۷ درصد در کشاورزي و ۲۰ درصد در صنعت - داشته. همین بخش خدمات است که مسؤلیت فزاینده‌ای در پردازش اطلاعات به شکل‌های گوناگون بر عهده می‌گیرد.

اقتصاد جهان متحول شده است و ما نیز، اگر نمی‌خواهیم عقب بمانیم و به کلي به حاشیه رانده شویم، باید متحول شویم. بخش جهانی اطلاعات رشدي برابر ۵ درصد در برابر رشد کمتر از ۲ درصد اقتصاد جهانی داشته است.

جامعه اطلاعاتي

جامعه اطلاعاتي اطلاعات را يك منبع اساسي ملي در توسعه مستمر حیات اقتصادي، اجتماعي و سياسي جامعه مي‌داند و از آنجا که اطلاعات يك منبع ملي است، باید کنترل و از آن استفاده بیشینه شود. بدین منظور، نیازمند برنامه‌ریزي مطمئن برای ایجاد زیرساختار ملي هستیم که باید بر پایه خط مشي یا خط مشي های ملي اطلاعاتي باشد. تمام جهان رو به سوي خلق يك جامعه جهانی اطلاعاتي می‌رود و هر کشور باید جزئی از این جامعه اطلاعاتي در حال ظهور باشد. برای مشارکت مؤثر و کارآمد در جامعه جهانی اطلاعاتي، لازم است که هر کشور، خود بدل به يك جامعه

اطلاعاتی شود وگرنه شکل جدیدی از محرومیت، چهره زشت خود را خواهد نمایاند؛ کشورهای جهانی تدریجاً به دو دسته: فقرای اطلاعاتی و ثروتمندان اطلاعاتی تقسیم خواهند شد. آنچه گفتیم، تنها یک روند مرسوم و باب روز نیست، بلکه ضرورت توسعه است. حال نگاهی بیندازیم به ویژگی‌های اساسی یک جامعه اطلاعاتی، بدان گونه که پروفیسور "نیک مور" (از PSI لندن) در یکی از مقالات خود در این موضوع تشریح کرده و من خلاصه آن را در اینجا می‌آورم.

استفاده از اطلاعات به عنوان منبع اقتصادی به منظور:

- افزایش بازده؛
- انگیزش نوآوری؛
- افزایش کارایی و ارتقای موقعیت رقابتی از طریق بهبود کالاها و خدمات.

بهره‌گیری بیشتر از اطلاعات در میان عموم مردم،

به عنوان مصرف‌کننده:

۲. برای بهبود و ارتقای سطح انتخاب میان کالاهای مختلف؛

۳. برای درک حقوق مربوط به خود از خدمات عمومی؛

۴. برای دستیابی به حاکمیت بیشتر بر زندگی خود.

به عنوان شهروند:

۵. استفاده از اطلاعات برای تحقق بخشیدن به حقوق و مسئولیت‌های مدنی خود.

نظام‌های اطلاع‌رسانی که در دست ایجاد است میزان دسترسی همگانی به تدارکات آموزشی و فرهنگی را گسترش بسیار خواهد بخشید.

هدف از ایجاد بخش اطلاعاتی در اقتصاد، برآوردن نیاز عمومی به تسهیلات و خدمات اطلاع‌رسانی است. جزء مهم این صنعت اطلاعات، زیرساختار فن‌آوردی (یا به بیان دیگر، مخابرات و رایانه است). جامعه اطلاعاتی همچنین نیازمند آن است که آگاهی به ضرورت ایجاد این صنعت، گسترش هر چه بیشتری بیابد؛ صنعتی که مولد اطلاعات است و این اطلاعات حول شبکه‌ها - یعنی تأمین‌کنندگان محتوا - جریان می‌یابد. پس هدف این صنعت تنها برقراری زیرساختارهای مخابراتی یا محمل‌های اطلاعاتی نیست.

توجه جهانی به "فناوری اطلاعات و ارتباطات" (1) (ICI) عرصه کتابداری و اطلاع‌رسانی را با طیف کاملی از چالش‌ها و فرصت‌ها روبرو ساخته است که می‌توانند وضعیت کنونی را بسیار بهبود بخشند.

چالش‌ها

ICT مرحله شگفت و گیج‌کننده‌ای از توسعه را به جریان انداخته است که همه - غنی و فقیر، توسعه یافته و در حال توسعه - متأثر می‌سازد. همه می‌خواهند که نقشی در این انقلاب اطلاعاتی داشته باشند. چالش موجود این است که چگونه می‌توان جوامع کشاورزی یا صنعتی را که در دسترسی به اطلاعات و کاربرد آن اساساً بسیار سنتی هستند به جوامع اطلاعاتی متحول کرد، و جوامعی که این حرکت را آغاز کرده‌اند، چگونه می‌توانند موضوعات اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی را با برنامه‌های ایجاد زیرساختار اطلاعاتی درآمیزند؟

مهم‌تر این که، ICT مسئله ابهام مرزها و حدود عرصه‌های گوناگون - مثل ارتباطات، رسانه‌ها، رایانه‌ها، مخابرات - را مطرح می‌کند و این مرزها را به هم نزدیک می‌سازد. این همگرایی مستلزم توجه جدی ما به یک رویکرد جدید، یعنی کار مشترک تیمی، و دوری از اقدامات مستقل انفرادی است.

فرصت‌ها

ICT روند کلی اطلاع‌رسانی را در بسیاری از کشورها دگرگون کرده است. اگر کسی بتواند در شاهراه‌ها و گذرگاه‌های اطلاعاتی، پیروزمندانه طی طریق کند و از ICT به عنوان جاذبه کانونی یک برنامه اطلاع‌رسانی استفاده کند، چه بسا توجه و حمایت سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان را خیلی آسان‌تر جلب کند. می‌توان کالاها و خدمات جدیدی تولید کرد که برای استفاده‌کنندگان جذاب‌تر و خوشایندتر باشد و با شیوه‌های ارزان‌تر ارائه شود، البته به شرطی که از فناوری‌های مناسب بهره‌گرفته شود.

اما کشورهای در حال توسعه چگونه می‌توانند فن‌آورهای مناسب اطلاعات و ارتباطات برای نوع کارکردهایی را که بدان نیاز دارند انتخاب کنند؟ آشکار است که پاسخگویی به چنین پرسش‌هایی آسان نیست. از این رو سازماندهی گردهمایی‌هایی برای بحث درباره چنین موضوعاتی، همانند کاری که یونسکو می‌کند، ضرورت می‌یابد تا کشورها از نظرات یکدیگر استفاده کنند.

خدمات و زیرساختار ملی اطلاع رسانی

در تحلیل زیرساختار ملی اطلاع رسانی، باید به وجه مردمی آن - کیفیت جمعیتی یک کشور از نظر استعداد تولید، جذب، انتقال، ذخیره، مدیریت و به کارگیری اطلاعات - نیز توجه کنیم.

این به معنی به کارگرفتن سطح عمومی سواد و تحصیلات مردم است. ولی آیا باید به سهم اطلاعات در کلیت اقتصاد، نسبت کارگران اطلاعات به کل نیروی کار نیز توجه کنیم؟

اگر زیرساختار قرار است که تسهیلات، تجهیزات (سخت افزار)، منابع انسانی و توانمندی های آنان (نرم افزار)، مکانیسم های سازمانی و چارچوب ختمشده ها (قواعد حکومتی و مبنای حقوقی) را زیرپوشش بگیرد، پس باید از نظر رسا یا نارسا بودن آنها در پشتیبانی فرایندهای عمده در تمامیت زنجیره اطلاعات - مثل تولید/ خلق اطلاعات (نویسندگان، پژوهندگان، دانشگاهیان، دانشمندان، و...) پردازش اطلاعات (متخصصان رایانه، متخصصان ICT، متخصصان موضوعی از حرفه های گوناگون)، اشاعه اطلاعات و ارتباطات (رسانه های گروهی، تلویزیون، رادیو و چاپ)، ناشران (کتاب و ادواری)، انواع کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی و دیگر مؤسسات اطلاع رسانی، انتقال اطلاعات (مخابرات و خدمات شبکه‌ای)، انواع مؤسسات اطلاع رسانی که به مثابه دروازه و انبار اطلاعات عمل می‌کنند - نیز تحلیل شوند.

ولی سؤال بزرگ‌تر این است که در یک کشور معین، چه کسی یا سازمان (هایی) متولی زیرساختار ملی اطلاع رسانی و برنامه‌ریزی برای ایجاد آن است؟ چه کسی باید برنامه ها و اقدامات گوناگون اطلاع رسانی در کشور را - با این فرض که اطلاعات، راه میان‌بر در تمام بخش‌ها است و عملاً به همه مربوط می‌شود - هماهنگ کند؟ آیا عملاً می‌توان به یک ابر شخص اندیشید، یا باید در اندیشه یک فرد دانشگاهی بود؟ آیا عملاً می‌توان به یک خط مشی ملی اطلاعاتی اندیشید، یا باید در اندیشه مجموعه‌ای از خط مشی ها بود؟ هر راهی که در پیش گرفته شود، نکته مهم این است که خط‌مشی های اطلاعاتی توسعه، سلامت هر سه جزء جداگانه بخش اطلاعات را زیرپوشش بگیرد:

- جزئی که به آفرینش اطلاعات در بخش محتوایی آن مربوط می‌شود؛

- جزئی که به تحول اطلاعات مربوط می‌شود؛

- جزئی که به پردازش اطلاعات مربوط می‌شود؛

هنگامی که بدانیم چه نوع زیرساختار ملی اطلاع رسانی و چه خدمات و فرآورده های اطلاعاتی موجود و در دسترس است و چه کسانی مسئول آنها‌یند، آنگاه آماده شده‌ایم تا به موضوع بعدی نظر افکنیم.

برنامه های توسعه

برنامه توسعه را می‌توان به هدف سازمان مادر یا به هدف کلی‌تر در توسعه تمامی کشور محدود کرد. در هر حال، بحث را بر این هدف کلی‌تر متمرکز می‌کنیم، چرا که علاقه خاصی به توسعه زیرساختار ملی اطلاع رسانی در هر کشور داریم. بهترین راهنما برای کسب یک دید کلی و سنجیده در برنامه توسعه ملی کشور، طرح توسعه ملی است که معمولاً در یک چرخه ۵ یا ۶ ساله انجام می‌شود. این طرح معمولاً باید وجوه گوناگون حیات یک کشور و بویژه مسائل مورد توجه مردم در امر آموزش و پرورش، و توسعه اقتصادی (در سطح خرد و کلان)، اجتماعی، و فرهنگی را زیر پوشش بگیرد.

حال اگر انواع پشتیبانی اطلاعاتی مورد نیاز در هر یک از اقدامات/ پروژه ها در برنامه توسعه ملی را تحلیل کنیم و آنها را با خدمات و زیرساختار ملی اطلاع رسانی تطبیق دهیم، آنگاه ارزیابی رسا یا نارسا بودن آنچه که داریم امکان‌پذیر، و نقاط ضعف و قوت و کاستی های موجود آشکار خواهد شد.

برنامه های اطلاعاتی آشکارا باید مشارکت چشمگیر در فرآیند توسعه را دنبال کند، وگرنه کلیت بخشیدن به روند اطلاعات در برنامه توسعه ملی کشور دشوار خواهد بود.

فرآورده ها و خدمات اطلاعاتی باید پشتیبان پروژه ها و اقداماتی باشد که در برنامه های توسعه ملی، اولویت درجه یک گرفته‌اند. مکانیسم پشتیبانی اطلاعاتی همچنین باید مجموعه اطلاعات و داده های موثق برای برنامه‌ریزی، نظارت و بررسی برنامه های دولتی را ارتقا بخشد.

نتیجه

در همگی روندهای مهم توسعه در طی پنج دهه، یونسکو نقش ارزشمندی در پی‌ریزی بنیان توسعه کتابخانه ها، آرشیوها، مراکز سند پردازی و اطلاع رسانی - طیف کامل مؤسسات و فرآیندهای اطلاعاتی پشتیبان توسعه ملی - بازی کرده است. برخی کشورها در راه‌اندازی و به کارگیری این مؤسسات و فرآیندها به نفع خود بموقع اقدام کرده اند و برخی نه. ما می‌توانیم که کشورهایی که در این راه قدم برداشته‌اند امروزه وضعیتی برتر و بهتر دارند. در حالی که ما به سوی قرن بیست و یکم پیش می‌رویم، "بخش ارتباطات یونسکو" با شما همراه خواهد بود تا همچنان که کشورها به جوامع اطلاعاتی مبدل می‌شوند و امکان بهره‌برداری و سود جستن از جامعه راستین اطلاعی جهانی را برای شهروندان خود فراهم می‌آورند، در این فرآیند با شما همگام باشد.

1. Information and Communication Technologies (ICI)